Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس در جریان جعل حدیث

اکرم حسین زاده[۱] / محمدشریفی[۲] / سیدمحسن موسوی[۳]

چکیده

جعل حدیث از پدیده‌های آشکار در روایات اسلامی است. برخی از روایات جعلی از طریق شناسایی راویان آن مشخص می‌گردد. سند روایاتی که زنجیره افراد آن را وضاعان تشکیل داده‌اند، نشان از جعلی بودن حدیث است. ابن جوزی در الموضوعات به این افراد اشاره داشته و روایات مربوط به اینگونه افراد را نقل موضوعه به نام ثقات دانسته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی ضمن معرفی دو تن از افرادی که به نقل احادیث وضعی از ثقه معروفند، به بررسی روایات آنان پرداخته است. سلیمان بن ارقم متهم به وضع روایات از عایشه، ابوهریره، زهری، حسن بصری است. این افراد از دیدگاه شیعه توثیق نشده‌اند. محمد بن یونس نیز به نقل موضوعه از ثقات متهم است که سند احادیث وی بیشتر به معصومین منتهی می‌گردد. شرایط و عوامل محیطی رجالیان در وضاع و کذّاب نامیدن راویان مؤثّر است. نقل احادیث بدون بررسی، موجبات ضعف ابن ارقم و محمد بن یونس را در زمان خویش فراهم نموده در حالی که واضع حدیث نبوده‌اند. برخی از این احادیث با داشتن سند صحیح، به دلیل برخی شواهد مانند وجود «حدیث معارض»، «عدم سازگاری با علم»، «شبیه نبودن به کلام معصوم»، «متناسب نبودن با اعتقادات شیعه»، جعلی و موضوع دانسته شده اند. بنابراین امکان ورود روایات منتقله از اهل سنت به شیعه از طریق جعل سند صحیح نیز وجود داشته است.

کلیدواژه‌ها:

سلیمان بن ارقم، محمد بن یونس، احادیث موضوعه، روایات منتقله، تدلیس.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران: AKRAMHOSEINZADE@GMAIL.COM
۲. دانشیار دانشکدهٔ الهیات علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول): M.SHARIFI@UMZ.AC.IR
۳. استادیار دانشکدهٔ علوم قرآن و حدیث دانشگاه الهیات دانشگاه مازندران: M.MUSAVIUMZ.AC.IR

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۱. طرح مسئله

جعل حدیث از موضوعات غیرقابل انکار در احادیث اسلامی است. برخی سخنان حدیث‌نما به نقل از معصومین علیهم‌السلام و یا صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله توسط برخی افراد به هر عامل و انگیزه‌ای ساخته می‌شدند. از برخی صحابه چون عایشه و ابوهریره احادیث زیادی نقل شد. با توجه به شواهد متعددی، برخی از احادیث نقل شده از سوی آنان ضعیف بوده و یا امکان جعل آن داده شده است. علامه عسکری با طرح سؤالاتی در خصوص مقدار احادیث نقل شده از عایشه می‌گوید: «آنچه ام‌المؤمنین عایشه از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده، بالغ بر ۲۲۱۰ حدیث است در حالی که از سایر (امّهات مؤمنین) یعنی هشت نفر دیگر از زنان پیامبر تنها ۶۱۲ حدیث نقل شده است. احتمال بسیاری وجود دارد که افرادی، برای به کرسی نشاندن حرف غلط خود، احادیثی را به ایشان نسبت می‌دادند.» (عسکری، ۱۳۴۲ش، ۴: ۴۷-۴۲) مانند احادیثی که از تصمیم بر خودکشی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوائل بعثت خبر می‌دهند. رد پای این روایات در صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۷ق، ۹: ۲۹) یافت می‌شود. اگر به سلسله سند روایاتی که در آن به جریان خودکشی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره شده دقت شود، فردی به نام معمر وجود دارد در حالی که در نقل‌هایی از احادیث که نام معمر نیست، قسمت پایانی حدیث (اقدام به خودکشی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله) در آن ذکر نشده است. یعنی ادامهٔ اصل روایت «از زیادات و ابتکارات شخصی معمر است.» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ۲۳: ۱۱۴ و ۱: ۸؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا، ۱: ۱۳۹؛ عسقلانی، بی‌تا، ۱۹: ۴۴۹).

بنابراین شناخت افرادی که به هر دلیل و انگیزه‌ای سخنان دروغ خود و یا سخن دیگران را به نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، صحابه و تابعان در اهل سنت و یا معصومین علیهم‌السلام در شیعه نسبت می‌دهند، ضروری می‌نماید. در الموضوعات ابن جوزی احادیثی جعلی شناخته شده‌اند که در سند آنان افراد وضاع وجود دارد. از جملهٔ آنان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس هستند. این دو تن متهم به فراوانی نقل احادیث موضوعه به نام ثقات هستند. همچنین به دلیل انتقادی که از این دو تن در زمان حیاتشان نیز وجود داشت، راویان هم طبقه با این دو نفر و یا راویان در طبقات بعدی، در سند احادیثی که این دو نفر حضور داشتند،

سال نوزدهم، شمارهٔ ۷۴، بهار ۱۴۰۱

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

دست برده‌اند. احادیث نقل شده از سلیمان بن ارقم بیشتر از عایشه، ابوهریره، زهری، حسن بصری و ابن سیرین است، در حالی که احادیث نقل شده از محمد بن یونس بیشتر به معصومان علیهم‌السلام ختم می‌شود. بنابراین مسأله پژوهش این است که سلیمان بن ارقم در سلسله سند چه روایاتی حضور دارد؟ در سند روایات از وی با چه عناوینی یاد شده است؟ موضوعات نقل شده از محمد بن یونس در چه حیطه‌ای است؟ آیا مشابه احادیثی که این دو نفر در سلسله سند آن‌ها وجود دارند، در کتب معتبر شیعه وجود دارد؟ اگر وجود دارد جعلی است یا خیر؟ هدف از پژوهش حاضر شناخت احادیثی است که از جانب این دو تن نقل و نزد رجالیان به عنوان احادیث موضوعه مطرح شده‌اند.

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

پدیدهٔ جعل حدیث در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز وجود داشت. بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه معصوم علیهم‌السلام نیز بارها و بارها به خطر جعل حدیث و ورود آن به احادیث مسلمانان هشدار داده‌اند. و مسلمانان نیز در طول تاریخ اسلامی، به پدیده جعل حدیث توجه نموده‌اند.

در قرن ششم هجری با نگارش کتاب الموضوعات ابن جوزی، پالایش کتب حدیثی از احادیث جعلی آغاز شد. کتاب‌های دیگری نیز در خصوص احادیث جعلی نوشته شده از جمله کتاب تذکرة الموضوعات (فتّنی، ۱۳۴۳ق)، کتاب کشف الخفاء ومزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی ألسنة الناس (عجلونی، ۱۳۵۱ق)، کتاب حدیث و محدثان (ابوزهو، ۱۳۶۹ق)، کتاب المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف (ابن‌قیم جوزی، ۱۳۹۰ق)، اللئالی المصنوعه (سیوطی، ۱۴۱۷ق)، الموضوعات الکبیر (ملا علی قاری، بی‌تا)، کتاب المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع (همو، بی‌تا)، کتاب اضواء علی السنة المحمدیه أو دفاع عن الحدیث (ابوریه، ۲۰۱۹م)، کتاب نقش عایشه در تاریخ اسلام (عسکری، ۱۳۴۲ش)، کتاب ۱۵۰ صحابه ساختگی (همو، ۱۳۵۵ش)، کتاب غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم (صفری فروشانی، ۱۳۸۸ش)، درسنامهٔ وضع حدیث (رفیعی محمدی، ۱۳۹۰ش)، وضع و نقد حدیث (مسعودی،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۱۳۹۶ش). همچنین مقالات زیادی نیز در زمینهٔ احادیث جعلی نوشته شده است مانند مقاله‌ی: نقد و بررسی احادیث موضوعه (بهشتی،۱۳۸۰ش)، احادیث موضوعه و بررسی چند نمونه (کلباسی اصفهانی، ۱۳۸۷ش)، روش شناسی نقد علامه امینی ﷺ بر احادیث موضوعه (غروی نائینی، بهادری، ۱۳۹۰ش)، تحلیل انتقادی کتاب «الفوائد المجموعه فی الاحادیث الموضوعه» با محوریت احادیث مناقب امام علی ﷺ (محمد زاده، ۱۳۹۹ش)

کتابها و مقالات در زمینهٔ وضع حدیث فراوان هستند که برشمردن آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. اما کتابی که به جعل حدیث به عنوان یک جریان نگاه کرده کتاب «الموضوعات» ابن جوزی است که برخی از عوامل جعل حدیث را نام می‌برد. (ابوریه، ۲۰۱۹م: ۹۹-۹۸) ابوریه نیز ۱۲ مورد از مواردی که در جعل حدیث نقش داشته‌اند را برمی‌شمارد. (ابوریه، ۲۰۱۹م، ۹۸-۹۴) در کتاب الموضوعات ابن جوزی برخی از افراد متهم به نقل موضوعات به نام ثقات هستند که منجر به ایجاد جریان تدلیس در سند روایات حدیث شده‌اند. پژوهش حاضر به معرفی دو تن از این افراد و احادیثی که وضع نموده‌اند و همچنین تغییراتی که در سند روایات این دو نفر داده شده، پرداخته است.

۲. سلیمان بن ارقم از دیدگاه رجالی

سلیمان بن ارقم (أبو معاذ بصری) مولی قریظه یا نضیر و یا مولی قریش، راوی برخی از احادیث نبوی است. وی از حسن بصری و یحیی بن کثیر و زهری و ابن سیرین روایت نقل کرده (دارقطنی،۱۴۰۳ق، ۲: ۱۵۵) و از سوی رجالیان حدیث مورد مذمت قرار گرفته است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۲۸؛ ابن معین، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ دارقطنی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۱۵۵). بخاری احادیث وی را ترک کرده و در صحیح خویش نقل نکرده است. (بخاری، ۱۳۹۶ق، ۱: ۵۲؛ ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ۲: ۱۶؛ عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۲۱) در صحیح مسلم نیز روایتی از وی مشاهده نمی‌شود.

ابن حبان در هنگام نامبردن از وی، او را واضع حدیث معرفی کرده که احادیث جعلی را به نام ثقات ساخته و یا اینکه احادیث ثقات را مقلوب می‌کند. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۲۸) ابوزرعه وی را ذاهب (آورنده) حدیث و یحیی بن معین وی را فرد بی ارزشی معرفی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

نموده است. (ابن معین، بی‌تا، ۱: ۱۲۷؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶) سفیان ثوری و آدم بن موسی از أبی معاذ (سلیمان بن ارقم) حدیث نقل می‌کنند. (عقیلی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۲۱) نسائی معتقد است که أبی معاذ ضعیف است. (نسائی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۴۸)

عمربن نجیح (ذهبی، ۱۳۸۷ق، ۲: ۴۷۵؛ ابن زریق، ۱۴۲۸ق، ۲: ۹۶) و عمرو بن محمد الأعسم (الأعشم) (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۷۴؛ ذهبی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۳۰۵؛ همو، بی‌تا، ۲: ۴۸۹) به‌خاطر نقل از سلیمان بن ارقم ضعیف شناخته شده‌اند.

ابن جوزی در الموضوعات از سلیمان بن ارقم نام برده که در نقل احادیث جعلی به نام ثقات و قلب احادیث، مورد مذمت ابن جوزی قرار گرفته است. در سلسله سند احادیث، از سلیمان بن ارقم با عناوین دیگری یاد شده است. از جمله: أبا معاذ الصائغ (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۱۴۷)، محمد بن اسماعیل الصانع (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۲) و مراد از شیخ در عبارت «عن شیخٍ عن الزهری: از شیخی از زهری» (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۹۰) همگی سلیمان بن ارقم هستند. این شخص در زمان خودش نیز مطرود بوده است. محمد بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که ما در ایام جوانی‌مان از مجالست با سلیمان بن ارقم نهی می‌شدیم. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۲: ۱۹۶).

بنابراین راوی حدیث پس از وی، به دلیل مطرود بودن این فرد، مجبور به تدلیس در سند حدیث بوده تا آن را از اعتبار نیندازد، به عنوان مثال: محمد بن سالم کوفی(أبوسهل) از جمله افرادی است که از ضعفاء نقل حدیث می‌کند. برای اینکه از ضعف سندی حدیث خود بکاهد، راوی ضعیف را با کنیه، خطاب می‌کند. در سند احادیث وی به جای نام بردن از سلیمان بن ارقم از لفظ أبومعاذ استفاده شده است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۲۶۲)

۳. احادیث موضوعه از سلیمان بن ارقم

از سلیمان بن ارقم احادیثی نقل شده که موضوعه خوانده شده است در حالی که برخی از آنان از نظر متنی مشکلی ندارند؛ مانند حدیث: «مَا أَحْسَنَ الْهَدِيَّةَ أَمَامَ الْحَاجَةِ»[1]

۱. چه نیکوست هدیه دادن در زمان نیاز.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

در سلسله سند حدیث آمده: «حَدَّثَنَا عَبَّادٌ عَنْ شَيْخٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ»، عبارت «عن شیخ» همان سلیمان بن ارقم است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۹۰) با وجود اینکه ابن‌جوزی حدیث فوق را جعلی دانسته است اما به‌کاربردن عبارت «عن شیخٍ» برای پوشاندن ضعف سند حدیث فوق بوده است، زیرا همانگونه که بیان شد، سلیمان بن ارقم در عصر خود نیز متهم به وضع حدیث بوده است. در حدیث دیگر آمده: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللهِ»[1] این حدیث از طریق ابومعاذ صائغ... از رسول خدا ﷺ نقل شده است. ابن‌جوزی، ابومعاذ صائغ را همان سلیمان بن ارقم می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۱۴۷) در دو حدیث پیش‌گفته، راوی به‌خاطر ترس از ضعف سلیمان بن ارقم، وی را با لقب یا کنیه نام برده است و همین امر موجب شده تا ابن‌جوزی آن احادیث را موضوعه بنامد وگرنه از نظر متنی مشکلی در دو روایت فوق وجود ندارد.

۳-۱. اعتقاد به سهوالنبی

از سلیمان بن ارقم روایت شده که «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الْوَهْمِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ»[2] (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۷۶۵) در ساختگی بودن حدیث همین بس که با اعتقادات شیعه درخصوص سهوالنبی سازگار نیست.

۳-۲. حدیث صدقه

در حدیث «لَا نَذْرَ فِي مَعْصِيَةٍ، وَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ»[3] که از أباسلمة از عایشه مرفوعا آمده، قسمت اول حدیث صحیح است ولی قسمت دوم حدیث که کفاره آن را بیان می‌کند، موضوعه است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۳) زیرا سلسله سندی که سلیمان بن ارقم راوی آن است، وارونه شده است.

حدیث صدقات از جمله احادیثی است که حضور سلیمان بن ارقم در آن مطرح است. این حدیث از طریق سلیمان بن داود خولانی ذکر شده است، که نزد

---

۱. از زیرکی مؤمن بپرهیزید زیرا؛ وی با نور خدا نظر می‌کند.
۲. پیامبر ﷺ قبل از آنکه سلام دهد دو سجدهٔ وهم بجا آورد.
۳. نذر کردن در معصیت درست نیست و کفارهٔ آن کفاره سوگند است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

رجالیان ثقه مأمون است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۳۳۴) ابوزرعه دمشقی و ابوعبدالله منده الحافظ معتقد هستند که اصل (کتاب) یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم است و آنکه نام سلیمان بن داود خولانی را آورده، توهم نموده است. (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۸: ۲۹۹) یعنی، یحیی بن حمزه از سلیمان بن ارقم روایت نموده نه از سلیمان بن داود خولانی.

حدیث فوق به خوبی روند جعل حدیث یا تدلیس در سند حدیث را نشان می‌دهد. در سند حدیث ابتدا سوء ظن به زهری بوده زیرا؛ دو واسطه از سند روایت حذف شده بود (سلیمان بن ارقم و یحیی بن أبی کثیر) که آن را از أبی‌سلمه به‌طور مرسل نقل نمودند. ترمذی بعد از اخراج حدیث معتقد است که سوء ظن از زهری برداشته می‌شود زیرا؛ أبی‌سلمه از زهری حدیث نشنیده است. چرا که بین این دو نفر، دو واسطه وجود دارد که سلیمان بن ارقم و یحیی بن أبی کثیراست. در این حدیث تدلیس شده که از زشت‌ترین نوع تدلیس است (حنبلی، بی‌تا، ۲: ۲۲۰) و انگشت اتهام در تدلیس در سند روایت فوق به سفیان ثوری و أعمش برمی‌گردد زیرا؛ بعید است که زهری به سلیمان بن ارقم که شاگرد وی بوده، سوء ظن داشته باشد، و از وی نامی نبرده باشد اما اعمش و ثوری به ثقه بودن سلیمان بن ارقم اعتقاد داشتند، اما به جهت آنکه دیگران وی را ضعیف می‌شمردند، نامش را از سند حذف نمودند. (شنقیطی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۲۴۰)

نمونهٔ دیگری از تدلیس در سلسله سندی که نام سلیمان بن ارقم حذف شده، مربوط به حدیث: «أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ بِكِتَابٍ فِيهِ الْفَرَائِضُ، وَالسُّنَنُ» که در سند این روایت سلیمان بن أبی داود آمده که در اصل همان سلیمان بن ارقم است. علت موضوعه خواندن احادیث مطرح شده، اول تدلیس در سند حدیث و دوم متن حدیث است که در برخی از آنان اضافاتی رخ داده است. مانند حدیث صدقات که بخش اول آن «لا نذر فی المعصیه» صحیح و بخش دوم آن «کفارته کفارة یمین» از موضوعات سلیمان بن ارقم است. در ادامه حدیث آمده: «وَلَا يُصَلِّ أَحَدُكُمْ وَهُوَ عَاقِصٌ شَعْرَهُ؛ کسی که موهایش را وسط سرش بسته، نماز نخواند.» (اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ۳: ۱۴۷۰؛

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۱۹۸۱:۴) در الکافی حدیثی آمده که «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام فِي رَجُلٍ صَلَّى فَرِيضَةً وَ هُوَ مُعَقَّصُ الشَّعْرِ قَالَ يُعِيدُ صَلَاتَهُ»[1](کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۰۹؛ طوسی، ۱۳۶۵ش، ۲: ۲۳۳) در حالی که حکم تحریم بستن مو در وسط سر برای مردان اجماعی نیست به‌خاطر ضعف روایت، بلکه اقوی این است که مکروه باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۱: ۳۰۹)

۳-۳. روایات اختلاف قرائت

سلیمان بن ارقم در سلسله سند برخی قرائات شاذ وجود دارد که همین امر موجبات ضعف آن قرائت را فراهم آورده است. برخی از این نمونه‌ها را می‌آوریم؛

الف ـ در تفسیر طبری در قرائت آیهٔ ﴿قُلْ كَفى بِاللَّهِ شَهيداً بَيْنى وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتاب﴾[2] (اسراء: ۹۶) در قرائتی شاذ آمده «عنداللہ علم الکتاب» این روایت از طریق قاسم...از هارون الأعور از زهری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است. طبری معتقد است که این خبر نزد ثقات از اصحاب زهری اصلی ندارد و صحیح نیست. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶) هیثمی در مجمع الزوائد اصل حدیث را خارج نموده و معتقد است که سند حدیث فوق منقطع است و دلیل آن هم اینکه هارون الأعور از زهری حدیثی نشنیده است. پس فردی در سلسله سند جامانده که ابویعلی از سلیمان بن ارقم نقل کرده است. (هیثمی،۱۴۱۴ق، ۷: ۱۵۵) برخی معتقدند که بین هارون الأعور و زهری، سلیمان بن ارقم وجود دارد. با توجه به تاریخ وفات زهری (۱۲۴ق) و سال وفات هارون الأعور(۱۷۰ق) این امکان که هارون الأعور از زهری حدیث شنیده باشد، وجود داشته است. اما هیچ حدیثی غیر از حدیث فوق از هارون الأعور از زهری وجود ندارد. همین امر موجب شده تا در تخریج حدیث فوق وجود سلیمان بن ارقم محتمل شمرده شود. (سیوطی، بی‌تا، ۴: ۶۶۸؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۶: ۵۰۶)

در نقلی دیگر سلیمان بن ارقم از زهری آمده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آیه را چنین می‌خواندند:

---

۱. مردی نماز واجبی خواند در حالی که موهایش را وسط سرش بسته بود. امام فرمود: نمازش را اعاده کند.

۲. (ای پیغمبر پس از اتمام حجّت به امت) بگو: خدا شاهد میان من و شما کافی است که او به (احوال) بندگانش آگاه و بصیر است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

﴿وَمِنْ عِنْدِهِ عُلِمَ الْكِتاب﴾ که به خاطر وجود سلیمان بن ارقم قرائت فوق جعلی شناخته شده است. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۵: ۳۰۲)

ب ـ در قرائت آیهٔ ﴿يا بَني آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَريشاً وَلِباسُ التَّقْوى ذلِكَ خَيْرٌ ذلِكَ مِنْ آياتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾[1] (اعراف: ۲۶) در قرائت کلمهٔ «ریشاً» از زبان عثمان بن عفان آمده «ریاشاً» که سلسلهٔ سند آن را سلیمان بن ارقم از حسن نقل کرده است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ۱۲: ۳۶۷-۳۶۸) طبری معتقد است که در سلسله سند روایاتی که در آن کلمهٔ «ریاشاً» آمده باید دقت نمود. (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳۶۳)

ج ـ نمونه‌ای دیگر در قرائت آیهٔ شریفهٔ ۱۲۶ از سورهٔ مبارکه بقره ﴿فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ﴾ سلیمان بن ارقم... از ابن عباس روایت کرده: «فَأَمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ اضْطَرَّهُ» که به صورت دعایی از زبان حضرت ابراهیم علیه‌السلام مطرح شده است که احتمالات تفسیری را به دنبال دارد. و این روایت به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن جنی، ۱۴۲۰ق، ۱: ۱۰۵-۱۰۴)

۴-۳. روایت تحریف قرآن

سلیمان بن ارقم از زهری نقل می‌کند که دو مرد سوره‌ای را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن دو إقراء کرده بود، پیوسته می‌خواندند. شبی برخواستند که نماز بخوانند حتی حرفی از آن سوره را به‌خاطر نیاوردند. فردا نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتند و موضوع را بیان نمودند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که آن سوره از جمله مواردی است که نسخ و فراموش شده است. پس، از آن دوری کنید. (ابن کثیر، بی‌تا، ۱: ۳۷۷-۳۷۶) روایت فوق نیز به دلیل وجود سلیمان بن ارقم ضعیف است. (ابن کثیر، بی‌تا، ۱: ۳۷۷-۳۷۶) بحث نسخ سوره یا آیه‌ای که موجب نسیان گردد، نزد شیعه قابل پذیرش نیست.

برخی احادیث نیز وجود دارند که تنها سلیمان بن ارقم از زهری روایت می‌کند. (متقی

---

۱. ای فرزند آدم، محققاً ما لباس که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارا بعد برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادم) شاید خدا را یاد آرند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

هندی،۱۴۰۱ق، ۲: ۲۹۸) مانند روایتی که در آن پیامبر ﷺ فراموش می‌کند آیه‌ای را در نماز بخواند و سؤال کننده از پیامبر ﷺ می‌پرسد که آیا این آیه نسخ شده است یا نه؟ (متقی هندی،۱۴۰۱ق، ۸: ۲۹۵) که به سهوالنبی اشاره دارد.

۴. محمد بن یونس قرشی از دیدگاه رجالی

محمد بن یونس بن موسی بن سلیمان بن عبید بن ربیعة بن کدیم أبوالعباس قرشي سامي بصري معروف به کُدَيْمی (متوفای ۲۸۶ق)، پسر همسر روح بن عباده است. او از راویان زیادی روایت کرده است و افراد زیادی نیز از وی روایت کردند. گفته شده که وی متهم به ساختن بیش از هزار حدیث است. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۲۹۰ و ۲: ۱۶۳)

از تاریخ برمی‌آید که وی در سلسله سند احادیث نیز دست می‌برد و متهم به جعل حدیث و دزدی ادبی است. ادعای دیدن مردمی را می‌کرد که ندیده بوده و از مردمی روایت می‌کرد که آنها را نمی‌شناخت، حتی از افرادی که مرده بودند، روایت نقل می‌نمود گویا که زنده هستند. روایت خود را به پدربزرگ خود موسی نسبت می‌داد که شناخته شده نیست. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۷: ۵۵۳؛ خطیب بغدادی،۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸) اعتبار روایات معلی بن فضیل که نزد رجالیان ثقه است به‌خاطر وجود کدیمی مورد قبول نیست. (دارمی بستی، ۱۳۹۳ق، ۹: ۱۸۲) برخی معتقدند که خلیفة بن خیاط ملقب به شباب العصفري، به‌خاطر اینکه از کدیمی روایت کرده، ضعیف شمرده شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۳: ۵۱۷) کدیمی در طب معروف بوده و روایات منکر و غریب، زیاد می‌گفت. (خطیب بغدادی،۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸)

أبوبکر أحمد بن مطلب هاشمی گفته که روزی نزد قاسم بن زکریا مطرز بودیم که در حال قرائت مسند ابی‌هریره بود. در کتابش به حدیثی از کدیمی رسید، از قرائت آن امتناع ورزید. محمد بن عبدالجبار که از کدیمی بزرگتر بود برخاست و گفت ای شیخ دوست دارم آن را بخوانی. قاسم إبا کرد و گفت: من فردا در نزد خداوند زانو خواهم زد و خواهم گفت: این فرد بر رسول تو و بر علماء دروغ می‌بست. (حلبی،۱۴۰۷ق، ۲۵۴؛ خطیب

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

بغدادی،۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸) علی بن مدینی که هم طبقه با وی بوده به او گفت: نزد تو چیزهایی است که نزد من نیست. (خطیب بغدادی،۱۴۲۲ق، ۴: ۶۸۸)

کدیمی در زمان خود نیز به وضع حدیث متهم بوده است و از این بابت متأثر و گریان شده و کسانی که به وی تهمت کذب بر رسول خدا ﷺ را زدند به روز قیامت و در پیشگاه خداوند حواله کرده است. جعفر طیالسی گفته کدیمی ثقه است و علت متهم بودن وی به خاطر این است که اهل بصره هر آنچه را که می‌شنیدند حدیث می‌کردند. (خطیب بغدادی،۱۴۱۷ق، ۴: ۶۸۸)

ابن جوزی از محدثینی که تنها به کثرت روایاتشان اکتفا می‌کنند و احادیث را هر چند موضوعه باشد، نقل می‌کنند بدون اینکه آن را برای مردم تبیین نمایند انتقاد می‌نماید و آن را از قبیح‌ترین خطاها و جنایت بر اسلام می‌شمارد. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۵۳-۵۲) وی معتقد است کسانی که از کذّاب و ضعیف نقل روایت می‌کنند بدون اینکه نامی از وی ببرند یا اینکه از وی با لقب و کنیه یاد می‌کنند تا ضعف سندی خود را بپوشانند، بر اسلام جنایت کردند؛ مانند نام محمد بن موسی در سلسله سند روایات در حالی که وی محمد بن یونس بن موسی (کدیمی) است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۵۳-۵۲)

۵. احادیث موضوعه از کُدَیْمی

محمد بن یونس که در سلسله سند روایت با عنوان کُدَیْمی نیز ذکر شده است احادیثی را به نقل از صحابه و معصومین بیان می‌دارد که در وضعی بودن آن شکی نیست؛ مانند:

۵-۱. حدیث صباغون و صواغون

کدیمی... از رسول خدا ﷺ روایت نمود که «أَكْذَبُ النَّاسِ الصَّبَّاغُونَ وَالصَّوَّاغُونَ»[۱] (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ق، ۱: ۵۲) نسبت دروغگویی به همه افراد یک صنف نشان از جعلی بودن حدیث فوق دارد.

۱. رنگرزان و جواهرفروشان دروغگوترین مردمان هستند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۲-۵. حدیث سروران پیران بهشت

حدیث «لاتسبُّوا أبابکر و عمر، فإنهما سیِّدا کهول أهل الجنة من الأولین والآخرین إلا النبیین والمرسلین» (خویی، بی‌تا، ۲: ۳۴۶-۳۴۵) از کدیمی است. در ضعف حدیث فوق همین بس که در بهشت پیری وجود ندارد. علاوه بر آن کدیمی نزد رجالیان حدیث متهم است. شبیه حدیث فوق از أبومعاذ (سلیمان بن ارقم) در کتاب المصنف ابن ابی شیبه آمده است. (ابن أبی شیبه، ۱۴۰۹ق، ۶: ۳۵۰)

۳-۵. حدیث فضل کاسنی

گفته شده که کدیمی در سلسله سند روایات طبی نیز حضور دارد. ابن قیم جوزیه در کتاب المنار المنیف از زبان ابن‌جوزی، روایات باب اطعمه و اشربه، خواص گیاهان دارویی و برتری گل‌ها را ساختگی دانسته است. (ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ق، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۰) مانند حدیث فضل کاسنی (هندباء) (ابن قیم جوزیه، ۱۳۹۰ق، ۱: ۵۴ و ۱: ۱۳۰) که ابن جوزی روایت آن را به دلیل وجود کدیمی ساختگی می‌داند. روایتی از امام حسین علیه‌السلام نقل شده که «مَا مِنْ وَرَقَةٍ مِنْ وَرَقِ الْهِنْدِبَا إِلا عَلَیْهَا قَطْرَةٌ مِنْ مَاء الْجنَّة»[1] که در سند آن محمد بن یونس آمده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۲۹۸-۲۹۹) حدیث فضیلت کاسنی در کتاب کافی با ده سند آمده است که در یکی از آن‌ها نقل شده: «وَ فَضْلُهَا عَلَی الْبُقُولِ کَفَضْلِنَا عَلَی النَّاسِ»[2] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۳۶۳) با این وجود حدیثی در همین کتاب آمده در برتری کرّاث (تره) بر هندباء که با وجود سخن امام در برتری هندباء، امام علیه‌السلام به حنان می‌گوید که کراث بخورد به‌خاطر اینکه هفت قطره از بهشت در هر روز بر تره می‌بارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۳۶۳) سؤالی که مطرح می‌شود این است که نتکاندن کاسنی به دلیل وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن قبل از شستن کاسنی است یا بعد از آن؟! اگر قبل از آن باشد که خوردن سبزیِ نَشُسته، هیچ‌گاه توصیه نمی‌شود و اگر بعد از شستن آن باشد که وجود قطره‌ای از آب بهشت بر آن معنا ندارد. نکتهٔ دیگر که نظریهٔ جعلی بودن روایت فوق را قویتر

۱. هیچ برگی از کاسنی وجود ندارد مگر اینکه قطره‌ای از آب بهشت برروی آن باشد.
۲. و برتری آن بر سایر سبزیجات مانند برتری ما بر سایر مردم است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

می‌کند این است که برای تره نیز همین خصوصیات ذکر شده است.

کنار هم گذاشتن احادیثی که در کتاب‌های معتبر شیعه در برتری سایر سبزیجات و نوع نقل آن احادیث آمده که گاه در تعارض با حدیث فوق است، ظن به جعلی بودن برخی از آنان را قویتر می‌سازد. احادیثی که خود آن‌ها نیز به خاطر معارض بودن با همدیگر و یا مشکلات دلالی دیگر می‌تواند ساختگی باشد. مانند حدیث: عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام عَلَى الْمَائِدَةِ فَمِلْتُ عَلَى الْهِنْدَبَاءِ فَقَالَ لِي: يَا حَنَانُ! لِمَ لَا تَأْكُلُ الْكُرَّاثَ قُلْتُ لِمَا جَاءَ عَنْكُمْ مِنَ الرِّوَايَةِ فِي الْهِنْدَبَاءِ فَقَالَ: وَ مَا الَّذِي جَاءَ عَنَّا. قُلْتُ: إِنَّهُ قِيلَ عَنْكُمْ إِنَّكُمْ قُلْتُمْ إِنَّهُ يُقَطِّرُ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنَّةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَطْرَةٌ قَالَ: فَقَالَ عليه‌السلام: فَعَلَى الْكُرَّاثِ إِذَنْ سَبْعُ قَطَرَاتٍ قُلْتُ: فَكَيْفَ آكُلُهُ؟ قَالَ: اقْطَعْ أُصُولَهُ وَ اقْذِفْ بِرُءُوسِهِ»[1] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۳۶۵-۳۶۳). توجه به احادیث فراوانی که در فضل کاسنی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده و در فضیلت و برتری آن سخنان زیادی گفته شده، تره بر کاسنی برتری می‌یابد. فراموشی امام در مورد سخنی که قبلاً گفته و نادیده گرفتن سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در فضیلت و برتری کاسنی، ظن به جعلی بودن این روایت از کتاب کافی را نیز قوی می‌سازد.

۴-۵. پیامبر بعد از خاتم النبیین

در برخی روایات وارد شده است که اگر فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ ابراهیم علیه‌السلام ـ از دنیا نمی‌رفت، او پیامبر می‌بود. (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۱۲۰) همهٔ احادیث در این رابطه، از نظر سندی ضعیف هستند. خصوصا روایتی که در سند آن محمد بن یونس (کدیمی) آمده که با واسطه از ابن عباس نقل نموده است. نکته قابل تأمل اینکه رجالیان حدیث چون ابن حجر در الإصابه به توجیه روایت پرداختند. (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۲۴ق، ۲:

۱. با أبی عبدالله بر سر سفره بودیم. پس، من از کاسنی خوردم پس به من گفت: یا حنان! چرا تره نمی‌خوری؟ گفتم به خاطر آنچه از روایت شما که در مورد کاسنی گفته شده است. فرمود: و چه چیزی از ما آمده است، گفتم: همانا از شما گفته شده که فرمودید: بر کاسنی قطره‌ای از بهشت است. پس امام علیه‌السلام گفت: پس بر تره هفت قطره از بهشت است. به ایشان گفتم چگونه بخورم آن را فرمود: ریشه‌اش را قطع کن وسرهایش را بردارید.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۱۲۱-۱۲۰) که اگر قرآن ملاک عمل قرار می‌گرفت نادرستی حدیث مشخص بود. آیهٔ شریفهٔ ۴۰ از سوره مبارکهٔ احزاب حضرت محمد ﷺ را خاتم النبیین می‌نامد. زمان نزول سوره احزاب قبل از تولد ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ بوده است. پس تمامی روایاتی که به نبی بودن ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ اشاره دارد ساختگی است.

۶. احادیث جعلی مشترک میان سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

رجالیان در بررسی اسناد روایات همه طرق آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند. حدیثی که از چند طریق ذکر شده باشد همه طرق آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گاه برخی از طرق روایات دارای زنجیره صحیح هستند، اما برخی طرق روایات از افراد ضعیف یا وضاع نقل شده است. زمانی اعتماد به طور کامل از حدیث سلب می‌شود که در تمام طرق آن فردی متهم به کذب یا وضع حدیث وجود داشته باشد. در سلسه سند برخی احادیث جعلی شناخته شده از کتاب‌های موضوعه نگاری، در هر سند جداگانه فردی وضاع وجود دارد که اصل حدیث را از اعتبار می‌اندازد. اینک به احادیثی پرداخته می‌شود که دو طریق آن به سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس کدیمی ختم می‌شود که وضعی شناخته شده‌اند.

۶-۱. حدیث زرقه العین

حدیث «چشم آبی یمن است و حضرت داود چشم آبی بود.» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۱۶۲) در کشف الاسرار میبدی نیز حدیث فوق از ابی هریره نقل شده است که «الزرقة یمن و کان داود علیه‌السلام ازرق» (میبدی، ۱۳۷۱ش، ۶: ۲۷۶) از عایشه نیز نقل شده است: «الزُّرْقَةُ فِي الْعين يَمِين» که در سلسله سند روایت فوق عباد بن صهیب و محمد بن یونس کدیمی وجود داشته و روایت به خاطر وجود این دو نفر جعلی دانسته شده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۱: ۱۶۲) پس در سند روایات فوق دو فرد وجود دارند که به نام ثقات موضوعات را نقل می‌کنند. در کتب شیعه نیز وارد شده است که: «تَزَوَّجُوا الزُّرْقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْيُمْن»[1] (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۳۵) در حالی که حدیثی داریم که

۱. با زنان چشم آبی ازدواج کنید زیرا؛ در آن‌ها یمن و مبارکی است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

مؤمنان متّاع خیر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲: ۱۷۸) و مجرمان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷: ۸۱) در روز قیامت چشمانشان آبی است. با توجه به اینکه حدیث فوق در منابع شیعی حدیث معارض نیز دارد، جعلی دانستن یکی یا هر دوی آن‌ها محتمل است.

۲-۶. حدیث حسان الوجوه

حدیث: «اطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ وَسَمُّوا بِخِيَارِكُمْ، وَإِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ»[1] در سلسله سند این حدیث محمد بن اسماعیل وجود دارد که با واسطه از زهری حدیث نقل کرده است. ابن جوزی واضع حدیث را محمد بن اسماعیل (سلیمان بن ارقم) می‌داند. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۲) بنابراین راویان در طبقات بعدی به جای ذکر نام سلیمان بن ارقم، از وی با عنوان محمد بن اسماعیل نام بردند تا ضعف سندی حدیث فوق را بپوشانند.

حدیث فوق از طریق کُدَیمی نیز نقل شده است که: «اطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ» (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۲: ۳۱۳؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۲: ۱۶۰) در کتب شیعه نیز حدیث فوق با اسناد متفاوت ذکر شده است. (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۳۹۴) در کتاب کافی بخش دوم حدیث سلیمان بن ارقم آمده که: «إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۵۹) دقت در معنای واژگان مشخص خواهد نمود که حدیث فوق جعلی است یا خیر. معنای حسان الوجوه نباید زیبارو باشد زیرا؛ در حدیث دیگری آمده: «اطلُبوا حَوائجَكُم عِند حِسانِ الوُجوهِ، فإنْ قَضى حاجَتَكَ قَضاها بِوَجهٍ طَليقٍ، وإنْ رَدّكَ رَدّكَ بِوَجهٍ طَليقٍ، فرُبَّ حَسَنِ الوَجهِ دَميمُهُ عِندَ طَلَبِ الحاجَةِ، ورُبَّ دَميمِ الوَجهِ حَسَنُهُ عِندَ طَلَبِ الحاجَةِ»[2] (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ۶: ۵۲۰) ادامهٔ حدیث نشان می‌دهد که مراد از حسان الوجوه، انسان خوش‌رو است نه انسان زیبارو. بنابراین اگر مراد احادیث، زیبا رویان باشد، حدیث جعلی است، اما اگر مراد از آن انسان‌های خوش‌رو باشد همانگونه که ابن

۱. خیر را نزد نیکورویان بطلبید و به اختیارتان نام ببرید و هرگاه کریم قومی را دیدید او را گرامی بدارید.
۲. نیازهای خود را از خوش‌رویان بخواهید؛ زیرا اگر نیاز تو را برآورده کند، با گشاده‌رویی می‌کند و اگر دست رد به سینه‌ات زند، باز با گشاده رویی می‌زند. بسا خوش‌رویی که در هنگام نیاز خواهی از او، زشت رو می‌شود و بسا زشت‌رویی که در هنگام نیاز خواهی از او خوش‌رو می‌شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

منظور به آن تذکر داده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵: ۲۱۳) حدیث صحیح است.

۶-۳. حدیث پوشیدن صوف

حدیث «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْلِسَ مَعَ اللهِ فَلْيَجْلِسْ مَعَ أَهْلِ الصُّوف» از طریق احمد بن عبدالله جویباری از..ابی هریره از رسول خدا نقل شده که در وضاع بودن جویباری شکی نیست. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۵۰-۴۹) و حدیث«مَنْ سَرَّهُ أَن يجد حلاوة الإيمَان فليلبس الصُّوف» از سلیمان بن ارقم نقل شده است. (ابن عدی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۳۱؛ ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۵۰-۴۹)

کدیمی نیز در خصوص پوشیدن لباس صوفی حدیثی دارد که «احمد بن احمد متوکلی....از محمد بن یونس... از رسول خدا ﷺ نقل شده که «عَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا حَلاوَةَ الإِيمَانِ فِي قُلُوبِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تَجِدُوا قِلَّةَ الأَكْلِ، وَعَلَيْكُمْ بِلِبَاسِ الصُّوفِ تُعْرَفُونَهُ فِي الآخِرَةِ، وَإِنَّ لِبَاسَ الصُّوفِ يُورِثُ الْقَلْبَ التَّفَكُّر»[1] رجالیان معتقدند که واضع حدیث فوق کدیمی بوده است. (ابن جوزی، ۱۳۸۶ق، ۳: ۴۹-۴۸) در کتاب الکافی دو حدیث در مذمت و یک حدیث در مدح پوشیدن لباس صوف آمده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۵۰-۴۴۹)

۷. نظریهٔ مختار دربارهٔ وضعیت رجالی سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس

یکی از اشکالاتی که بر کتاب الموضوعات ابن جوزی وارد است، اینکه وی احادیث ضعیف را هم در زمرهٔ احادیث جعلی گنجانده است. علت آن به بررسی‌های سندی رجالیانی چون ابن معین و ابن حبان و دیگران برمی‌گردد. بررسی این نکته که شرایط زمانی و محیطی‌ای که در آن راویان چه در شیعه و چه اهل سنت تضعیف شده‌اند، مهم است. کذّاب خواندن برخی راویان به معنای دروغگوبودن آن‌ها نیست؛ زیرا در میان حجازیان کسی که خطا کرده باشد کذّاب نامیده می‌شود. (دارمی بستی، ۱۳۹۶ق، ۶: ۱۱۴) به عنوان مثال یحیی بن معین از رجالیان اهل انبار بوده است که به

۱. برشما باد به پوشیدن لباس پشم که شیرینی ایمان را در قلبتان می‌یابید و به کم خوردن دست می‌یابید و در آخرت او را می‌شناسید و همانا لباس پشم قلب را به تفکر وا می‌دارد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

مراکز علمی چون حجاز سفر کرده است و حدیث آنان را فرا گرفت (ابویعلی، ۱۴۰۹ق، ۵۹۵:۲) پس اگر از راویانی با عنوان کذّاب نام برده، امکان خطای راوی در نقل روایت وجود داشته است. نه وضّاع بودن وی. سخن دیگر اینکه چه بسا راوی به‌خاطر نقل حدیث کذب، کذّاب یا واضع حدیث خوانده شده است، گرچه خود اهل برساختن حدیث نباشد. (رک: شاه پسند، ۱۳۹۵ش، ۱۳۳) با توجه به اینکه ابن ارقم و محمد بن یونس در زمان خودشان متهم به نقل بدون بررسی روایات بودند و هر آنچه می‌شنیدند نقل می‌نمودند، کذّاب و یا واضع حدیث خوانده شده‌اند؛ در حالی که ضعف آنان در نقل روایات ضعیف و جعلی پذیرفتنی است.

۸. نتیجه

۱ـ نقل احادیث وضعی در شیعه و اهل سنت، موجب کنکاش در احادیث و بررسی متنی و سندی آن‌ها نزد رجالیان و محققان شده است. افرادی در زنجیره سند احادیث به عنوان جاعلان حدیث معروف شده‌اند. رجالیان اهل سنت افرادی را به وضع حدیث به نام ثقات متهم نمودند. افرادی که در میان رجالیان شیعه نه تنها ثقه نبوده، بلکه خود واضع حدیث هستند.

۲ـ سلیمان بن ارقم و محمد بن یونس از جمله افرادی هستند که به نقل احادیث دروغین به نام ثقات معروفند. از آنجایی که این دو فرد در زمان خودشان نیز به ضعف و یا کذب متهم بوده‌اند، راویان بعدی برای جلوگیری از ضعف سند روایات خود، با ذکر لقب یا کنیه‌ای چون أبومعاذ، عن شیخٍ، محمد بن اسماعیل برای سلیمان بن ارقم و بیان نام جد کُدَیْمی به صورت محمد بن موسی به جای محمد بن یونس و همچنین حذف این دو نفر از سلسله سند روایات بدون ذکر انقطاع، از اعتبار احادیث خویش نزد رجالیان کاسته‌اند.

۳ـ به نظر می‌رسد این دو نفر جاعل حدیث نباشند، بلکه به‌خاطر نقل بی‌مهابای هر آنچه که می‌شنیدند، در زمرهٔ جاعلان حدیث جای گرفته‌اند.

۴ـ برخی از احادیث این دو نفر که موضوعه شناخته شده در کتب شیعه با سند

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

صحیح به معصوم علیهم‌السلام می‌رسد. برخی احادیث این دو تن با اعتقادات شیعیان مخالف است مانند: روایات در تحریف قرآن و سهوالنبی. برخی دیگر از این روایات با علم سازگار نیست مانند: خوردن گیاه نشسته یا تعویذ ائمه و همچنین برخی از احادیث با آیات قرآن سازگار نیست مانند: نبوت فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. و برخی از روایات در کتب شیعه دارای حدیث معارض است مانند: روایات خوش یمن بودن چشم آبی‌ها. بنابراین این احتمال مطرح می‌شود که برخی از احادیث اهل سنت به کتب شیعه راه یافته، از روایات منتقله باشد.

فهرست منابع

قرآن
۱. إبن أبی شیبه، أبوبکر، الکتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، محقق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن بابویه قمی، محمدبن علی بن حسین، عیون أخبارالرضا علیه‌السلام، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج، الموضوعات، محقق: عبد الرحمن محمد عثمان مدینه: محمد عبد المحسن صاحب المکتبة السلفیة، ۱۳۸۶ق.
۴. ابن جوزی، جمال الدین ابوالفرج، الضعفاء والمتروکون، محقق: عبد الله القاضي، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن زریق، محمدبن عبدالرحمن بن محمد، مَنْ تَکلَّم فیه الدَّارقطني في کتاب السنن من الضعفاء والمتروکین والمجهولین (فیه أکثر من مائتي ترجمة لیست في سنن الدارقطني المطبوع)، محقق: أبوعبد الله حسین بن عکاشة، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة بدولة قطر، ۱۴۲۸ق.
۶. ابن عدی، احمد، الکامل فی الضعفاء، محقق: عادل أحمد عبد الموجود-علي محمد معوض و عبدالفتاح أبو سنة، بیروت، الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۷. ابن قیم جوزیه، محمدبن أبی بکر، المنار المنیف في الصحیح والضعیف، محقق: عبد الفتاح أبوغدة، حلب، مکتبة المطبوعات الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن خطیب، تفسیرابن کثیر، بی‌نا، سلامه، بی‌تا.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۹. ابن معین، ابوزکریا یحیی، تاریخ ابن معین (روایة عثمان الدارمي)، محقق: أحمد محمد نور سیف، دمشق، دار المأمون للتراث، بی‌تا.
۱۰. ابن جنی، أبوالفتح عثمان، المحتسب في تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها، قاهره، وزارة الأوقاف ـ المجلس الأعلی للشئون الإسلامیة، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابوریّه، محمود، اضواء علی السنه المحمدیه أو دفاع عن الحدیث، قاهره، دارالمعارف، چاپ ششم، ۲۰۱۹م.
۱۳. ابویعلی، خلیل بن عبدالله، الإرشاد فی معرفه علماء الحدیث، محقق: محمد سعید عمر ادریس، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۱۴. اصفهانی، ابونعیم، معرفة الاصحاب لأبی نعیم، محقق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ق.
۱۵. بخاری، أبوعبدالله محمدبن اسماعیل، الضعفاء الصغیر، محقق: محمودابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۱۶. ----------، صحیح البخاری، محقق: قاسم شماعی رفاعی، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمدبن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. حلبی، برهان الدین، الکشف الحثیث عمن رمي بوضع الحدیث، محقق: صبحی سامرائی، بیروت، عالم الکتب، مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۷ق.
۱۹. خطیب بغدادی، أبوبکر، تاریخ بغداد، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۲ق.
۲۰. حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. خویی، سید ابوالقاسم، علی امام البرره، قم، دارالمهدی، بی‌تا.
۲۲. دارقطنی، أبوالحسن علی بن عمر، الضعفاء والمترکون، محقق: عبد الرحیم محمد القشقري، مدینه، مجلة الجامعة الإسلامیة، ۱۴۰۳ق.
۲۳. دارمی بستی، ابن حبان، الثقات، محقق: محمد عبدالعمید خان مدیر دائرة المعارف العثمانیه، هند، حیدر آباد دکن، ۱۳۹۳ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

۲۴. ـــــــــــــــــــ، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، محقق: محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.
۲۵. ذهبی، شمس الدین، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محقق: علي محمد البجاوي بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
۲۶. ـــــــــــــــــــ، دیوان الضعفاء والمتروکین وخلق من المجهولین وثقات فیهم لین، محقق: حماد بن محمد الأنصاري، مکه، مکتبة النهضة الحدیثة، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.
۲۷. ـــــــــــــــــــ، المغنی فی الضعفاء، محقق: نورالدین عتر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۲۸. ـــــــــــــــــــ، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، قاهره، مکتبه التوفیقیه، ۱۴۱۳ق.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، الحاوی للفتاوی، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر، ۱۴۲۴ق.
۳۰. ـــــــــــــــــــ، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۳۱. شاه پسند، الهه، «پژوهشی درباره وضعیت حفص بن سلیمان قاری (در پرتو تمییز مشترکات رجالی)»، علوم حدیث، دوره ۲۱، شماره ۷۹، صص ۱۲۲-۱۴۳.
۳۲. شنقیطی، محمدأمین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۳۳. طبری، ابوجعفرمحمدبن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: أحمد محمد الشاکر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق.
۳۴. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۳۵. ـــــــــــــــــــ، الامالی، قم، مؤسسه البعثه دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۳۶. عسقلانی، ابن‌حجر، فتح الباری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۷. عسکری، سید مرتضی، نقش عایشه در تاریخ اسلام، سید مرتضي عسكري، مترجم: عطاء محمد سردارنیا، قم، انتشارات مجمع علمي اسلامي، ۱۳۴۲ش.
۳۸. عقیلی، أبوجعفر محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، محقق: عبد المعطي أمین قلعجي، بیروت، دارالمکتبه العلمیه، ۱۴۰۴ق.
۳۹. قشیری نیشابوری، مسلم، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلی رسول ﷺ،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]

Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
۴۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاري / محمد آخوندي، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنزالعمال في سنن الأقوال والأفعال، محقق: بکري حياني ـ صفوة السقا، بی‌جا، مؤسسه الرساله، چاپ پنچم، ۱۴۰۱ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، محقق: سید إبراهیم میانجي، محمد باقربهبودي، بیروت، دارالإحیاء التراث، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۴۳. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار وعدة الابرار، محقق: علی اصغرحکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۴۴. نسائی، أبوعبدالرحمن احمدبن شعیب، الضعفاء و المتروکون، محقق: محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی، ۱۳۹۶ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1401.19.74.2.9]